

DOR: 10.22034/SSHQ.2024.173127

A linguistic approach on the role of "word" and "sentence" as linguistic units in the process of translation of the Holy Quran (case study of Surah Mubarakata Fatiha)

(Received: 2023-06-01 Accepted: 2023-08-12)

Abdul Ahad Gheibi¹, Hasan Esmailzade², Atefeh Asghari³

Abstract

In their translations, the translators of the Holy Quran have paid attention to language units such as phonemes, words, combinations, phrases and sentences and they have chosen their translation method word by word, literal, free (adaptation), interpretative and semantic (conceptual, expressive, content to content). Each translation method relies on a linguistic unit and translators define their approach based on it. The present study, with a diachronic approach and descriptive-analytical method, examines the evolutionary process of linguistic units in various methods of translation of the Holy Quran and their evolution over time, and based on the translations of Surah Fatiha, explained and distinguished each one from the other. And by determining the linguistic units, the writer has explained the positive and negative points of each of these methods along with the challenges in the process of translating the Quran. The result shows that the developments related to the methods of translation of the Holy Quran have been in two fields of approach and linguistic units; It means that it is based on linguistic units from author-oriented or audience-oriented and has evolved from word to sentence; Also, in the beginning, the translators of the Holy Quran benefited from the linguistic unit of the word and proposed the method of word-for-word translation, then they turned to sentence-oriented and used methods such as semantic and interpretive translation. Therefore, the main difference between the translations of Surah Al-Fatiha is in the level of the primary meanings of the words, verses and the entire surah, which is caused by the author-oriented or audience-oriented view of the Qur'an.

Keywords: Holy Quran, translation methods, translator's approach, linguistic units, Surah Fatiha

1) Professor in Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. (Author Corresponding The) Email: bdolahad@azaruniv.ac.ir

2) Associated professor in Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Email: h.esmailzade@gmail.com

3) Graduated with a master's degree in Arabic language Translation, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Email: Ati.asghari1998@gmail.com



رهیافتی زبان شناختی بر جایگاه و نقش آفرینی «کلمه» و «جمله» به عنوان واحدهای زبانی در فرآیند ترجمه قرآن کریم (موردکاوی سوره مبارکه فاتحه)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱)

عبدالأحد غیبی^۱
حسن اسماعیل زاده^۲
عاطفه اصغری^۳

چکیده

مترجمان قرآن کریم در ترجمه‌های خود به واحدهای زبان اعم از واج، واژه، ترکیب، عبارت و جمله توجه کرده‌اند و روش ترجمه خود را لفظ به لفظ، تحت‌اللفظی، آزاد (اقتباسی)، تفسیری و معنایی (مفهومی، گویا، محتوا به محتوا) انتخاب نموده‌اند. هر یک از روش‌های ترجمه، به یک واحد زبانی متکی است و مترجمان رویکرد خود را بر اساس آن تعریف می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکرد در زمانی و به روش توصیفی-تحلیلی، فرآیند تحولی واحدهای زبانی را در انواع روش‌های ترجمه قرآن کریم و سیر تحولی آنها را در طول زمان و با تکیه بر ترجمه‌های سوره فاتحه توضیح و تمایز هر کدام را با دیگری بررسی کرده و از طریق تعیین واحدهای زبانی، نکات مثبت و منفی هر یک از این روش‌ها را به همراه چالش‌های موجود در فرآیند ترجمه قرآن تبیین نموده‌است. نتیجه نشان می‌دهد تحولات مربوط به روش‌های ترجمه قرآن کریم در دو زمینه رویکرد و واحدهای زبانی بوده‌است؛ به این معنی که از نویسندگان محوری یا مخاطب‌محوری به واحدهای زبانی تکیه داشته و از کلمه به جمله تحول یافته‌است؛ همچنین مترجمان قرآن کریم در ابتدا برای رعایت دقت و امانت، از واحد زبانی کلمه بهره‌مند شدند و روش ترجمه لفظ به لفظ را پیشنهاد کردند، سپس به

(۱) استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)
ایمیل: Abdolahad@azaruniv.ac.ir

(۲) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران ایمیل:
ac.esmailzadeh@azaruniv.ac.ir

(۳) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. ایمیل:
Ati.asghari1998@gmail.com

جمله محوری روی آورده و روش‌هایی از قبیل ترجمه معنایی و تفسیری را به کار گرفتند؛ بنابراین تفاوت غالب ترجمه‌های سوره فاتحه در سطح معانی اولیه کلمات، آیات و کل سوره می‌باشد که این مسأله از نگاه نویسندہ محوری یا مخاطب محوری به قرآن ناشی شده است. **کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، روش‌های ترجمه، رویکرد مترجم، واحدهای زبانی، سوره فاتحه.

۱. مقدمه

زبان‌شناسان واحدهای مختلفی را برای زبان معرفی کرده‌اند که زبان نیز بر اساس آن‌ها تعریف می‌شود؛ از جمله واج، کلمه، ترکیب، عبارت، جمله. زبان‌شناسی این واحدها را به عنوان اساس کار خود قرار داده و در تحلیل از سطح کلمه محوری به جمله محوری ارتقا یافته است. مترجمان قرآن کریم نیز در ترجمه خود از میان واحدهای زبان به کلمه، ترکیب، عبارت، جمله توجه نموده و رویکرد خود را در ترجمه بر اساس آن تعیین و به ترجمه اقدام کردند. هر یک از روش‌های ترجمه این مترجمان دارای سبک و سیاق خاص خود است که در واقع متأثر از واحدهای زبانی می‌باشد، به طوری که برخی از آنها با انتخاب کلمه به عنوان واحد اصلی زبان، ترجمه خود را لفظ به لفظ ارائه می‌دادند؛ برخی نیز با انتخاب جمله به عنوان واحد زبان، ترجمه وفادار یا محتوا به محتوا ارائه می‌کردند. این امر باعث شده که در طول زمان، ترجمه‌های متفاوتی از قرآن ارائه شود. علت انتخاب مترجمان مورد پژوهش در این مقاله نیز، از همین موضوع، یعنی مبتنی بودن ترجمه هر یک از ایشان بر یکی از واحدهای زبانی یاد شده نشأت گرفته است. در جستار حاضر، انواع روش‌های ترجمه قرآن کریم و واحدهای زبانی آنها مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که کدام یک از آنها و با چه رویکردی می‌تواند از پیام‌های آسمانی قرآن کریم، تصویر جامعی در اختیار مخاطبان ترجمه قرار دهد.

۱-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

ترجمه را باید عامل «برخورد زبان‌ها» خواند (اختیار، ۱۳۴۸: ۲۰-۲۱). در میان این برخوردها، محتوای قرآن کریم از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. حفظ این محتوای حساس از رهگذر روش‌های ترجمه و از طریق مشخص کردن واحدهای زبانی مورد اعتماد در هر یک از آنها امکان‌پذیر است؛ بنابراین اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر در آن است که ابتدا سیر تحولی روش‌های ترجمه را ارزیابی کند، سپس از طریق تعیین واحدهای زبانی هر کدام از آنها، نوع رویکرد مترجمان و نکات مثبت و منفی هر یک از روش‌های ترجمه قرآن کریم را به همراه چالش‌های موجود در فرآیند ترجمه به روش‌های مختلف تبیین نماید.

۲-۱. سؤالات تحقیق

- ۱- روش‌های ترجمه قرآن کریم در چه زمینه‌هایی شاهد تحول بوده‌است؟
- ۲- مترجمان قرآن کریم از کدام واحدهای زبانی بهره‌مند شده‌است؟
- ۳- واحدهای زبانی مورد استفاده در ترجمه‌های قرآن کریم کدام جانب ترجمه‌ای را پوشش داده‌اند؟
- ۴- انواع ترجمه‌های انجام گرفته از سوره مبارکه فاتحه در کدام سطوح و چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟

۳-۱. فرضیه‌های تحقیق

۱. علی‌رغم ناشناخته ماندن واحدهای زبانی مورد استفاده در روش‌های ترجمه، تحولات مربوط به این روش‌ها در همین زمینه بوده‌است، به این معنی که از نویسنده‌محوری یا مخاطب‌محوری به واحدهای زبانی متکی شده و از کلمه به جمله تحول یافته‌است.
۲. مترجمان قرآن کریم در ابتدا برای رعایت دقت و امانت، از واحد زبانی کلمه‌استفاده می‌کردند و روش ترجمه لفظ به لفظ را پیشنهاد می‌کردند که سپس به جمله‌محوری روی آوردند و روش‌هایی از قبیل ترجمه تحت اللفظی، معنایی و تفسیری را به کار گرفتند.
۳. واحد زبانی کلمه، جانب معنی اولیه کلمات قرآن را پوشش می‌دهد و واحد زبانی جمله، جانب معنی اولیه جمله و تفسیر آیات را لحاظ می‌کند.
۴. تفاوت غالب ترجمه‌های قرآن کریم در سطح معنایی اولیه کلمات، آیات و کل سوره بوده که این مسأله از نگاه نویسنده‌محوری یا مخاطب‌محوری به قرآن کریم ناشی شده‌است.

۴-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد درزمانی و به روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد انواع روش‌های ترجمه قرآن کریم را به ترتیب زمانی توضیح داده و تمایز هر کدام را با دیگری توصیف کند. در این راستا، به تحلیل دو واحد زبانی کلمه و جمله پرداخته می‌شود که در روش‌های ترجمه به عنوان مبنای کار قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل ترجمه‌های شعرانی (لفظ به لفظ)، معزی (تحت اللفظی)، الهی قمش‌های (آزاد یا اقتباسی)، صفوی بر اساس المیزان (ترجمه تفسیری) و خرمشاهی (ترجمه معنایی، مفهومی، گویا، محتوا به محتوا) است.

۵-۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های ارزشمندی در خصوص نقد و بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن کریم وجود دارد:

۱- مقاله «روش‌های ترجمه و تطبیق آنها بر ترجمه‌های قرآن کریم» اثر حیدر قلی‌زاده (۱۳۸۱) که در آن به انواع قالب‌ها و ساختارهای زبانی و انواع روش‌های ترجمه به صورت کلی پرداخته شده‌است.

۲- مقاله «بررسی تطبیقی بیست ترجمه از سوره حمد» نوشته علی نصیری (۱۳۸۵) که در خصوص بررسی بیست ترجمه از سوره مبارکه فاتحه از بیست مترجم می‌باشد.

۳- پایان‌نامه «بررسی ترجمه‌های قرآن با نگاه یوجین نایدا» نوشته زهرا ابراهیمی (۱۳۹۳) که در آن به ترجمه‌های قرآن و زندگی‌نامه‌های مترجمان آلمانی زبان قرآن کریم با رویکرد نظریه یوجین نایدا و با محوریت سوره ناس پرداخته شده‌است.

۴- پایان‌نامه «بررسی و نقد هشت ترجمه از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم بر اساس میزان توجه به تناسب و ارتباط آیات» اثر فاطمه قندالی (۱۳۹۳) که در آن به ارتباط و تناسب آیات قرآن کریم با یکدیگر پرداخته شده و دو سوره طلاق و تحریم بر اساس ترجمه مترجمانی از جمله قمشه‌ای، مکارم شیرازی، فولادوند و غیره مورد بررسی قرار گرفته‌است.

۵- پایان‌نامه «آسیب‌شناسی برخی ترجمه‌های قرآن کریم» اثر نرگس افسری (۱۳۹۳) که در آن، روش صحیح ترجمه و همچنین انواع روش‌های ترجمه مورد بحث واقع شده‌است.

۶- پایان‌نامه «نقد و بررسی ترجمه‌های قرآن کریم بر اساس معیارهای صرفی و نحوی» اثر بهنام فرهنگ (۱۳۹۶) که در آن به بررسی معیارهای صرفی-نحوی ترجمه و نقد ترجمه‌های قرآنی پرداخته شده‌است.

وجه تمایز جستار حاضر با منابع فوق در این خلاصه می‌شود که این منابع، موضوع بحث یعنی نقد و بررسی ترجمه‌های سوره مبارکه فاتحه و نیز ترجمه‌های قرآن کریم را با محورهای انتخابی خاص خود و به دور از موضوع واحدهای زبانی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به ویژه اثر «بررسی تطبیقی بیست ترجمه از سوره حمد» تفاوت ماهوی با پژوهش حاضر دارد؛ چراکه اثر مذکور با رویکرد عام و به صورت واژه‌محوری به بررسی بیست ترجمه از سوره مبارکه حمد اهتمام ورزیده، بدون اینکه از داده‌های زبان‌شناسی در حوزه ترجمه بهره‌مند شده باشد. بنابراین پژوهش جامعی که به روش‌های ترجمه قرآن کریم به ویژه ترجمه سوره فاتحه بر اساس واحدهای زبانی بپردازد، وجود ندارد و پژوهش حاضر از این لحاظ دارای نوآوری می‌باشد که روش‌های چندگانه‌ای را برای ترجمه قرآن کریم برشمرد و واحدهای زبانی مورد اعتماد را در هر یک استخراج و سپس با تکیه بر آنها، روش‌های ترجمه قرآن کریم را تحلیل و ارزیابی می‌کند.

۲. زبان‌شناسی ترجمه

زبان‌شناسان در مکاتب زبان‌شناسی به دنبال واحد و اساسی بودند که به وسیله آن

بتوانند چهارچوبی بر زبان تعیین کنند؛ لذا در یک برهه کوتاه، کلمه را مبنا قرار دادند و بر اساس آن به ویژه در زبان عربی، علم صرف را به وجود آوردند، اما با گذشت زمان این تصور ایجاد شد که کلمه به تنهایی نمی‌تواند خواسته‌های زبان‌شناسان را در تعریف زبان تأمین کند؛ بنابراین جمله را به عنوان واحد زبان معرفی نموده و بر مبنای جمله نیز دستور زبان یا همان علم نحو را تدوین کردند؛ زیرا «زبان‌شناسی که بر شالوده‌های علمی استوار است، می‌کوشد تا با روش‌ها و ملاک‌های علمی به مطالعه زبان بپردازد» (باقری، ۱۳۶۷: ۴۷). موضوع تعیین واحد زبانی در حوزه ترجمه نیز به دلیل ارتباطی که با حوزه زبان‌شناسی دارد، دارای اهمیت زیادی است؛ به طوری که «یافته‌های زبان‌شناسی را می‌توان در ارتباط با ترجمه به کار برد و می‌توان به جای نظریه‌ای ادبی یا روان‌شناختی در باب ترجمه، نظریه زبانی را در این مورد به کار بست» (فاست، ۱۳۹۷: ۱۸).

۳. واحدهای زبانی در ترجمه سوره مبارکه فاتحه

واحدهای زبانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب روش ترجمه دارد؛ به این شکل که واحد زبان تعیین می‌کند که مثلاً مترجم در ترجمه خود به روش ترجمه تحت‌اللفظی اقدام کند یا روش ترجمه خود را روش ترجمه آزاد یا تفسیری و یا وفادار انتخاب کند. مترجم اگر قائل به این باشد که واحد زبانی در واقع کلمه است، در این صورت غالباً روش ترجمه تحت‌اللفظی را انتخاب می‌کند و اگر قائل باشد که واحد زبان در واقع یک واحد بزرگ‌تر از کلمه به نام جمله است، روش کار خود را در ترجمه به روش ترجمه آزاد یا روش ترجمه تفسیری متمایل می‌سازد. جستار حاضر، دو واحد اصلی زبانی یعنی کلمه و جمله را که مترجمان اغلب به این دو مورد تکیه کرده و رویکرد ترجمه‌ای و روش ترجمه خود را بر اساس آن انتخاب کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد:

۳-۱. کلمه

کلمه، کوچک‌ترین واحد زبان است که همواره در حال دریافت مفاهیم نوشونده است (خاقانی، ۱۳۹۵: ۹۲). کلمه در ابتدا به عنوان واحد اساسی ترجمه به شمار می‌رفت و مترجمان از این واحد زبانی برای اجرای وظیفه خود استفاده می‌کردند؛ برای همین نیز روش‌های ترجمه با توجه به محوریت کلمه در متن آغاز شد. لذا هرگاه مترجمان بر واحد کلمه تمرکز می‌کنند، از روش ترجمه لفظ به لفظ (لغوی، کلمه به کلمه) پیروی می‌کنند. پیشرفت ترجمه بر اساس کلمه به کلمه، با کلمات و معانی مستقل آنها شروع می‌شود. کلمه، محور و اساس کار آن دسته از مترجمانی بوده که کلمه را پدیده‌ای مستقل و دارای معانی می‌پنداشتند؛ به عبارتی، برخی دیگر از مترجمان روش ترجمه لفظ به لفظ یا کلمه به کلمه، همین واحد را در ترجمه به عنوان معیار مهم ترجمه می‌دانستند. لذا واحد کلمه، دو روش ترجمه‌ای لفظ به لفظ و تحت‌اللفظی را تحت پوشش قرار می‌دهد:

۳-۱-۱. لفظ به لفظ (لغوی، وفادار، لغت به لغت - for - translation)

در این روش: الف) معنی کلمه مهم است نه جمله. ب) معنی اولیه کلمه، مهم است. ج) تعداد و ترتیب کلمات در زبان مبدأ و مقصد برابر است و جمله یا ساختار در آن در نظر گرفته نمی‌شود؛ لذا «نخستین روش در ترجمه قرآن کریم، ترجمه کلمه به کلمه بوده که دغدغه اصلی مترجم در آن حفظ امانت است» (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۳). در این روش که مترجمان در آن، معنی کلمه را مهم می‌دانند، تا حد امکان به کلمات متن مبدأ و معانی اولیه و وضعی آنها پای‌بند می‌مانند؛ به عنوان مثال، اگر فعل در اول جمله باشد، مترجم هم بدون توجه به دستور زبان مقصد، معنی فعل را در اول جمله می‌آورد؛ چون مترجمان در این واحد ترجمه بیشتر به الفاظ پای‌بند بوده و معنای اولیه و ظاهری آن را نقل می‌کنند و همچنین به خاطر اینکه حذف و اضافه در این روش از ترجمه اتفاق نمی‌افتد و متن ترجمه از الگوهای دستوری و زبانی متن مقصد فاصله می‌گیرد، انسجام و تعادل در متن ترجمه برقرار نمی‌شود. می‌توان گفت از ترجمه لفظ به لفظ قرآن دو معنا اراده می‌شود:

«الف) ترجمه واژه‌های دشوار قرآنی به زبان مقصد که برای کسانی مفید است که تا حدودی با زبان عربی آشنایی دارند و می‌توانند پس از فهمیدن معنای واژه، خود مفهوم جمله را درک کنند.

ب) ترجمه پیوسته مفردات قرآن کریم همگام با ساختار زبان مبدأ که هدف اصلی در این نوع، انتقال معنای واژه‌های زبان مبدأ به زبان مقصد در صورت و قالبی مشابه صورت و قالب زبان مبدأ است» (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۰). از جمله ترجمه‌های انجام شده از سوره فاتحه که به صورت لفظ به لفظ و با تکیه بر واحد زبانی کلمه و نیز بر اساس توجه به لایه‌های زبانی از جمله ژرف‌ساخت بوده، می‌توان به ترجمه شعرانی اشاره کرد:

ترجمه شعرانی

بعضی از مترجمان، تنها برابریابی می‌کردند و شکل و قالب متن مبدأ را به هم نمی‌ریختند. به باور این مترجمان، ترجمه‌هایی که بهترین برابرها را در برابر هر واژه زبان مبدأ بیاورد، ترجمه قابل قبول شناخته می‌شود که ترجمه شعرانی از جمله این ترجمه‌ها و به روش لفظ به لفظ می‌باشد. شاخصه اصلی روش ترجمه لفظ به لفظ در ترجمه شعرانی را می‌توان در این دو مورد خلاصه کرد: الف) تعداد کلمات متن مبدأ و متن مقصد. ب) ترتیب کلمات متن مبدأ و متن مقصد. شرط تحقق هر یک از این دو وجه در ترجمه آن است که روش ترجمه انتخابی بایستی مبتنی بر واحد زبانی کلمه باشد و برای اینکه ترجمه‌ای متکی بر واحد زبانی کلمه باشد، مستلزم آن است که از ترجمه لفظ به لفظ استفاده شود. دو وجه مذکور در ترجمه سوره فاتحه از شعرانی قابل مشاهده است:

یا در آیه ۶ نیز اینگونه است:

اهد	نا	الصَّراطُ	المُسْتَقِيمَ
هدایت کن	ما	به راه	راست

روش ترجمه لفظ به لفظ شعرانی در دو وجه کاملاً مشخص است که وجه اول شامل تعداد کلمات متن مبدأ و متن مقصد می‌باشد و وجه دوم ساختار دستوری جملات است؛ مثلاً در آیه ۶ به تبعیت از ساختار زبان مبدأ که جایگاه فعل (اهد) در آن در اول جمله است، فعل را در اول جمله (هدایت کن) آورده، غافل از اینکه اصول و ساختار دستوری زبان مقصد، این نوع ساختار را برتابد. همچنین در آیه ۷ از این سوره مبارکه، روش لفظ به لفظ ملموس و محسوس است:

صراط	راه
الَّذِينَ	آنان که
أَنْعَمْتَ	انعام کردی
عَلَى	بر
هِمْ	ایشان
غَيْرِ	نه
الْمَغْضُوبِ	آنان که غضب شده
عَلَى	بر
هِمْ	ایشان
وَ	و
لَا	نه
الضَّالِّينَ	گمراهان

در این آیه معنی هر کلمه دقیقاً در مقابل آن ترجمه شده که این امر گاهی در فصاحت و سلاست ترجمه اخلاص ایجاد می‌کند؛ یعنی مخاطب ترجمه حین مطالعه متن مقصد بدون اینکه ترتیب منطقی کلمات را بر اساس ساختار دستوری زبان خود فرض کند، توجه وی به معنای صرف کلمات معطوف می‌شود، حتی ممکن است وی در انتهای قرائت ترجمه جمله، متوجه معنی کلی و یکپارچه جمله نشود. این امر از رویکرد کلمه‌محوری و به عبارتی دیگر از انتخاب کلمه به عنوان واحد زبانی مورد اعتماد در ترجمه ناشی می‌شود؛ زیرا «افراط

در حفظ امانت در این روش ترجمه موجب می‌شود تا گاهی مضمون و پیام اصلی کلام به مخاطب القا نشود» (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۳).

۲-۱-۳. تحت‌اللفظی (وفادار) (translation Literal)

برخی محققان، ترجمه لفظ به لفظ را از ترجمه تحت‌اللفظی جدا نکرده‌اند و از هر دو تحت عنوان «تحت‌اللفظی» و یا «لفظ به لفظ» و یا «کلمه به کلمه» بحث کرده‌اند. علی‌رغم اینکه روش تحت‌اللفظی به لحاظ اسمی و معنایی مشابه روش لفظ به لفظ است، در مصداق و مفهوم با آن متفاوت می‌باشد و دارای رویکرد متفاوتی نسبت به متن مبدأ است. در این روش: الف) معنی اولیه کلمه در چهارچوب ساختار زبان مقصد مهم است. ب) خود ساختار دستوری زبان مقصد مهم است، بدون اینکه چیزی بر ترجمه افزوده شود. ج) معنی اولیه جمله مهم است نه کلمه. د) گاهی معنی اولیه جمله متن مبدأ، مبهم و نیازمند توضیح بوده که در ترجمه تحت‌اللفظی قابل جبران نیست.

در روش ترجمه تحت‌اللفظی، مترجمان بیشتر از آن که به خوانندگان متن توجه داشته باشند، به متن اصلی توجه دارند و مترجم بیش از هر چیزی خودش را به متن پای‌بند می‌داند و معتقد است که اگر کلمه‌ای را جا به جا و یا حذف کند و یا حتی آن کلمه را به شکل دیگری ترجمه کند، در حق نویسنده و متن اصلی خیانت کرده‌است. مترجم در این نوع ترجمه سعی می‌کند تا آنجایی که ساختارهای معنایی و نحوی زبان مقصد اجازه می‌دهد، عین معنای بافتی متن اصلی را ارائه کند. «ترجمه تحت‌اللفظی با وجود مضرات و معایبی که دارد، فوایدی نیز دارد؛ مانند اهداف آموزشی از جمله تدریس عربی و فارسی برای مبتدیان و ترجمه متون دینی، مانند قرآن» (معروف، ۱۳۹۴: ۱۵)؛ زیرا در این نوع ترجمه، ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادل‌های آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند (ناصری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

هدف اصلی در این نوع ترجمه، انتقال معنای اولیه الفاظ و دقایق دستوری زبان مقصد است، ولی توجه این روش به انتقال پیام یا محتوای بافتی متن مبدأ به زبان مقصد بیش از روش ترجمه لفظ به لفظ است و خواننده تا حدودی پیام را دریافت می‌کند. تعادل ترجمه در این نوع نیز به طور کامل و مطلوب رعایت نمی‌شود. در این روش، انسجام متن مقصد به دلیل توجه معقول مترجم به زبان مبدأ نسبت به روش ترجمه لفظ به لفظ، کمی بهتر است که این امر در راستای نزدیک شدن به الگوهای بیانی زبان مقصد رخ می‌دهد. ترجمه در روش تحت‌اللفظی نیز همچون روش لفظ به لفظ، کلمه می‌باشد، با این تفاوت که مترجم در روش ترجمه تحت‌اللفظی بر خلاف روش ترجمه لفظ به لفظ، ساختار دستوری زبان مقصد را مهم دانسته و به آن توجه می‌کند و متن مبدأ را بدون کم و زیاد کردن به متن مقصد انتقال می‌دهد. معزی در ترجمه قرآن کریم، روش ترجمه تحت‌اللفظی را پیش گرفته‌اند:

ترجمه معزی

معزی در ترجمه خود سعی فراوان دارد که ترجمه‌اش سلیس و روان بوده و نارسایی‌های این نوع از ترجمه را کمتر دارا باشد. وی برای این منظور در برخی از موارد، کلمات را جابه‌جا نموده تا ترجمه از حالت ناقص بودن خارج گردد. ترجمه وی از توضیحات اضافی خیلی کمی برخوردار بوده و به افعال معلوم، مجهول، لازم، متعدی و مفعول مطلق، ادوات تأکید و تأکید جملات در ترجمه و حصر توجه شده‌است؛ همچنین همه کلمات و افعال، به جز حروف مقطعه ترجمه شده‌است. در ادامه ترجمه معزی از سوره فاتحه ذکر می‌شود:

متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ
از تو	إِيَّاكَ	ب	بِ
یاری خواهیم	نَسْتَعِينُ	نام	اسْمِ
*	اهْدِ	خداوند	اللَّهِ
ما را	نَا	بخشاینده	الرَّحْمَنِ
به راه	الصِّرَاطَ	مهربان	الرَّحِيمِ
راست	الْمُسْتَقِيمَ	سپاس	الْحَمْدُ
هدایت کن	*	-	لِ
راه	صِرَاطَ	خدای را	اللَّهِ
آنان که	الَّذِينَ	پروردگار	رَبِّ
بر ایشان	*	عالمیان	الْعَالَمِينَ
روزی فرستادی	أَنْعَمْتَ	بخشاینده	الرَّحْمَنِ
*	عَالِيَهُمْ	مهربان	الرَّحِيمِ
نه	غَيْرِ	که	-
راه	-	فرمان‌روای	مَالِكِ
غضب‌شدگان	الْمَغْضُوبِ	روز	يَوْمِ

متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ
بر آنها	عَلَيْهِمْ	رستاخیز	الدِّينِ
-	وَ	است	-
نه	لَا	خدایا	-
راه	-	تورا	إِيَّاكَ
گمگشتگان	الضَّالِّينَ	پرستش کنیم	نَعْبُدُ
-	-	و	وَ

کارکرد روش ترجمه تحت‌اللفظی را می‌توان در ترجمه معزی از آیات ۴، ۶ و ۷ به صورت واضح‌تر مشاهده نمود:

-	الدِّينِ	يَوْمِ	مَالِكِ	-
است	رستاخیز	روز	فرمان‌روای	

توضیح اینکه در ترجمه آیه، مترجم برای رعایت ساختار دستور زبان مقصد و روان بودن ترجمه به صورتی که کلمه محوری در آن محسوس باشد، از حرف ربط «که» و از فعل کمکی "است" بهره برده تا جمله در متن ترجمه همراه با فعل خاتمه یابد؛ چراکه اقتضای دستور زبان مقصد این است که با فعل اصلی یا کمکی به پایان برسد. معزی در ترجمه آیات ذیل نیز برخلاف ترجمه لفظ به لفظ سعی کرده علاوه بر رعایت معنی اولیه کلمات و جمله، رعایت اصول دستوری زبان مقصد را نیز در دستور کار خود قرار دهد:

أَهْدِ	الْمُسْتَقِيمِ	الصِّرَاطَ	نَا
هدایت فرما	راست	به راه	ما را

راه	صِرَاطَ
آنان‌که	الدِّينِ
برایشان	عَلَيْهِمْ
روزی فرستادی	أَنْعَمْتَ

غَبِرَ	نه
-	راه
الْمَغْضُوبِ	غضب‌شدگان
عليهم	-
وَ	و
لَا	نه
-	راه
الضَّالِّينَ	گمگشتگان

در این دو آیه مشخص است علی‌رغم اینکه فعل «اهد» و ضمیر متصل «نا» به ترتیب در ابتدای جمله در زبان مبدأ آمده‌است، اما در ترجمه ضمیر «نا» متناسب با ساختار دستور زبان مقصد در ابتدای جمله قرار گرفته و ترجمه فعل «اهد» نیز تحت عنوان «هدایت فرما» در انتهای جمله قرار گرفته‌است. همین مسأله در خصوص ترجمه جمله «أنعمت عليهم» با عنوان «بر ایشان روزی فرستادی» نیز صدق می‌کند.

۲-۳. واحد جمله

واحد زبانی جمله در مرتبه بعدی از واحد زبانی کلمه قرار دارد. در واقع جمله یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اساسی زبان می‌باشد و تقریباً دارای ساختاری است که بسیاری از نگاه‌های زبان‌شناسی بر آن استوار است و این اهمیت به دلیل ساختارمند بودن آن می‌باشد که اساس کار مطالعات زبانی قرار می‌گیرد. جمله به مجموعه از کلمات اطلاق می‌شود که در کنار هم قرار می‌گیرند و مقاصد متکلم یا نویسنده را منتقل می‌کنند. جمله، اقسام تشکیل‌دهنده مهمی دارد که یکی از اصلی‌ترین قسمت آن، فعل است. بنابراین جمله‌ای که فاقد فعل باشد، در واقع جمله نبوده و به سطح عبارت یا ترکیب تنزل پیدا می‌کند.

مرحله اهمیت جمله در عملیات ترجمه تحت تأثیر زبان‌شناسی بود که از جمله به عنوان واحد زبانی جامع‌تر از واحد کلمه استفاده می‌کرد. ظهور پدیده توجه به جمله در ترجمه، به این معناست که جهات و دیدگاه‌های مترجم جامع‌تر از قبل شده‌است؛ زیرا تمرکز بر واحد جمله کلی‌تر از تکیه بر واحد کلمه‌است. منظور از واحد جمله در ترجمه آن است که یک جمله در فرآیند ترجمه به طور کامل ترجمه شود و سپس مترجم به ترجمه جمله بعدی اقدام کند؛ به عبارتی اساس کار مترجم در انتخاب واحد جمله به عنوان واحد اصلی ترجمه

بر مبنای معنای مستقل و کامل یک جمله به صورت مجزا از جملات دیگر است؛ لذا یکی از لوازم تحقق رویکرد جمله‌محوری در ترجمه، آن است که مترجم یک روش ترجمه مناسبی را انتخاب کند که در تضاد با مستلزمات رویکرد جمله‌محوری نباشد.

دیدگاه مترجمان قرآن کریم در باره واحد جمله که بزرگ‌تر و وسیع‌تر از واحد کلمه است، دیدگاهی وسیع‌تر و جامع‌تر می‌باشد. در این واحد ترجمه که از گرد هم آمدن کلمات و واژگان تشکیل می‌شود، بعضی مترجمان در روش کار خود معنای کل جمله را در نظر می‌گیرند. در آن دسته از روش‌های ترجمه‌ای قرآن که واحد ترجمه در آن جمله است، علاوه بر این که به متن مبدأ وفاداری وجود دارد، متن ترجمه نیز با هدف فهم و درک هر چه بیشتر ارائه می‌گردد و در آن به ارتباط کلمات با یکدیگر توجه می‌شود و کلمات در هم‌نشینی با کلمات دیگر ترجمه می‌گردد. تکیه بر جمله در فرآیند ترجمه، روش‌های ترجمه‌ای مانند ترجمه آزاد (اقتباسی)، ترجمه تفسیری و ترجمه معنایی را به وجود آورد؛ به عبارتی، به نظر می‌رسد که روش ترجمه آزاد، ترجمه تفسیری و ترجمه معنایی با رویکرد مذکور تناسب بیشتری داشته باشد؛ چراکه آزادی عمل مترجم در این سه روش ترجمه به‌ویژه در دو مؤلفه برابری تعداد کلمات متن مبدأ و مقصد و مؤلفه حفظ ساختار دستوری زبان مقصد بیشتر است و می‌تواند با رویکرد جمله‌محوری تطابق بیشتری داشته باشد.

۱-۲-۳. ترجمه آزاد یا اقتباسی (Free translation)

این روش به عنوان واکنشی در مقابل ترجمه تحت‌اللفظی مطرح شد؛ زیرا ترجمه تحت‌اللفظی گاهی در ترجمه برخی جملاتی که به صورت کنایی به کار رفته و دارای معانی ضمنی بود، نارسا و غیر قابل فهم بود. «بعضی از مترجمان با توجه به نامفهوم بودن ترجمه‌های پیشین، بر آن شدند که خود را از قید ترجمه «حرفی» و تحت‌اللفظی رها سازند و به ترجمه معنی و مفهوم قرآن بپردازند؛ مانند ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای» (جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۵). ترجمه‌های منظوم قرآن از این نوع است، اما چون این روش با برداشت شخصی همراه است، برای ترجمه قرآن مفید به نظر نمی‌رسد.

مترجم در این روش، مفهوم جمله را گرفته و آن را همراه با برداشت خود از متن مبدأ و برای قابل فهم شدن نسبت به مخاطبان زبان دوم، در قالب کلمات و جملات زبان مقصد جایگزین می‌کند. این فرآیند ممکن است حتی با استفاده از جملاتی باشد که شاید در متن مبدأ وجود نداشته باشد. «در این نوع ترجمه، مترجم خود را مقید به برگرداندن دقیق لفظ یا معنای متنی که ترجمه می‌شود، نمی‌داند و به کاستن یا افزودن بر محتوای متن می‌پردازد» (جواهری، ۱۳۸۴: ۱۴۳)؛ چراکه در ترجمه آزاد یا اقتباسی، مترجم متن را بر طبق سلیقه و دل‌خواهش پس و پیش می‌کند و شاید نسبت به متن مبدأ کاملاً وفادار و امانت‌دار نباشد؛ به عبارتی «در ترجمه آزاد، مترجم ضمن عبور از زبان مبدأ به طرف زبان مقصد، اطلاعات

اضافه‌ای یا غیر موجود در زبان مبدأ را حمل می‌کند و گاهی معنا را تغییر می‌دهد و حتی حقایق را هم تحریف می‌کند» (امامی، ۱۳۷۶: ۹۱). روش‌های ترجمه مترجمانی از قبیل قمشه‌ای از نوع ترجمه آزاد می‌باشند که رویکرد جمله‌محوری را برای خود برگزیدند تا بتواند اختیارات و آزادی عمل بیشتری در فرآیند انبساط و انقباض جمله‌ها داشته باشد:

ترجمه الهی قمشه‌ای

در ترجمه مرحوم قمشه‌ای با وجود محاسن بسیار و اعمال نظری ژرف در فحوای ترجمه، به نظر می‌آید مخاطب با نمونه‌هایی از لغزش یا سهو مواجه می‌شود که نشان از تسامح یا احیاناً برداشتی ناهمگون از پاره‌ای ظرایف بدیع دستوری، واژگانی و ادبی قرآن دارد که در برخی نمونه‌ها، نداشتن رویکرد متناسب به این ظرافت، خواننده را در معرض برداشتی غیر همسو با آیات شریفه قرار می‌دهد و علاوه بر پوشیده ماندن بخش‌هایی از وجوه اعجازی و تصاویر مبتکرانه آیات، جلوه ضعیف‌تری از بلاغت قرآنی در ترجمه فارسی نمود می‌یابد (اقبالی و نامداری، ۱۳۹۷: ۱۳۸). یکی از اشکالات عمده قمشه‌ای در بازتاب نکات ادبی و بیانی آیات شریفه به ضعف در برگردان اصطلاحات و برداشت سطحی از مفهوم آن باز می‌گردد که این مهم به اشکال یا ابهام در بازتاب معنایی انجامیده و در این راستا، تفاوت‌های دقیقی که میان اسالیب و ساختارهای دو زبان عربی و فارسی وجود داشته، از سوی مترجم مغفول مانده و در برگردان محتوای آیات، نکات ظریف صرفی و نحوی نادیده گرفته شده (همان: ۱۴۶) و تنها به افزودن اضافات ترجمه‌ای بسنده شده‌است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند بخشنده مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان است
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	خدایی که بخشنده و مهربان است
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	مالک (و پادشاه) روز جزاست (روز کیفر نیک و بد خلق)
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ	(پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم، و از تو یاری می‌جوییم و بس
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	تو ما را به راه راست هدایت فرما
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ	راه آنان که به آن‌ها انعام فرمودی، نه راه کسانی که بر آن‌ها خشم فرمودی (قوم یهود) و نه گمراهان (چون اغلب نصاری)

برای مثال، در ترجمه آیات ۴، ۵ و ۷ افزوده‌هایی به شرح زیر ذکر شده‌است: (و پادشاه)، (روز کیفر نیک و بد خلق)، (پروردگارا)، (و بس)، (نه راه کسانی که)، (قوم یهود)، (چون اغلب نصاری). خواننده متن ترجمه در نگاه اول متوجه می‌شود که طول جمله‌های متن ترجمه در مقایسه با طول جمله‌های متن مبدأ بیشتر است؛ همچنین از آنجا که مترجم بیشتر به ترجمه مفهومی و توضیحی راغب است، قبض واژگانی و کاهش معنا نسبت به متن اصلی، جلوه آشکاری در ترجمه ایشان ندارد و ترجمه‌های او مطوّل و توضیحی است؛ چراکه مترجم درباره «تبدیل صورت یا تغییر نحوی» در ترجمه آزاد حضوری پررنگ‌تر دارد؛ اما گاه تغییری که در صورت عبارات اعمال می‌کند، با مفهوم ارائه‌شده در ترجمه آن چندان تناسبی ندارد. بنابراین مشخص می‌شود که قمشه‌ای در راستای تصریح هر چه بیشتر معانی آیات، از کلمات بیشتری در زبان مقصد استفاده می‌کند؛ با این تفاوت که افزوده‌های خود را در قالب پراتزهایی می‌گنجانند که تمایز آن با دیگر کلمات به وضوح دیده شود.

لذا می‌توان گفت قمشه‌ای در این روش که در مواردی با افزایش واژگانی همراه است، محوریت واحد زبانی جمله را مد نظر داشته‌است؛ چراکه این اختیارات در رویکرد کلمه‌محوری یا با انتخاب کلمه به عنوان واحد زبانی ترجمه قابلیت اجرایی ندارد. مترجم در این روش ترجمه، فرآیند افقی به افقی جمله‌ها را در ترجمه منعکس می‌کند و در کنار این امر، ممکن است افزوده‌هایی را نیز در داخل پراتز یا بدون آن از جانب خود بر متن ترجمه بیفزاید.

۳-۲-۲. ترجمه تفسیری

این روش مبتنی بر یک تفسیر عالمانه‌است و تفاوت اصلی آن با روش ترجمه آزاد این می‌باشد که در ترجمه آزاد، پای‌بندی به معنی ظاهری (وضعی و اولیه) الفاظ وجود ندارد و تنها مفهوم جمله و متن مهم است، اما در ترجمه تفسیری، هم افزوده‌های تفسیری حائز اهمیت است و هم پای‌بندی به الفاظ متن مبدأ وجود دارد، یعنی در کنار معانی اولیه الفاظ، مقداری تفسیر و توضیح نیز ذکر می‌گردد.

این نوع ترجمه بیشتر در تفسیر آیات قرآن و متون دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد (معروف، ۱۳۹۴: ۲۱). در این روش، مترجم برای بازسازی فضای آیه در زبان مقصد و انتقال بهتر مفاهیم و نیز ارائه معنای تفسیری و مانند آن، توضیحاتی را در لابه‌لای ترجمه تفسیری خویش می‌آورد (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۶)؛ این روش کمی نزدیک به ترجمه آزاد است و «باید آن را در ردیف ترجمه‌های معنایی و محتوایی به شمار آورد. در این روش ذکر می‌شود که هر ترجمه‌ای مسبوق به تفسیر است و ترجمه و تفسیر، اجمال و تفصیل یک حقیقت‌اند» (صفوی، ۱۳۸۵: ۴۱۳). ترجمه صفوی بر اساس تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبایی از قرآن از نوع ترجمه تفسیری است:

ترجمه صفوی بر اساس المیزان

صفوی با انتقاد از ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن بیان کرد که آنها واحد ترجمه را «کلمه» قرار می‌دادند، اما این ترجمه با گذشت زمان منسوخ شد. بهترین ترجمه از قرآن کریم، ترجمه‌ای است که به صورت معنایی - محتوایی باشد و ترجمه آزاد نباشد و مترجم برداشت شخصی از آیه نکند (صفوی، ۱۳۸۵: ۴۱۷). ترجمه وی به شرح ذیل است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند گسترده‌مهر مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	ستایش از آن خداست که پروردگار جهانیان است
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	همو که گسترده‌مهر و مهربان است
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	خداوندگار روز پاداش و جزاست
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ	بارالها، تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	ما را به راه راست هدایت فرما
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ	راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛ همانان که نه به بیراهه رفته و به خشم تو گرفتار شده‌اند و نه گمگشتگانند که راه درست نشناخته‌اند.

با توجه به ترجمه آیات فوق می‌توان گفت یکی از تفاوت‌های ترجمه آزاد و ترجمه تفسیری صفوی چه‌بسا در این باشد که در ترجمه آزاد غالباً افزوده‌های مترجم با علایم خاصی از جمله علایم سجاوندی از دیگر جملات جدا می‌شود که این مسأله در ترجمه تفسیری محسوس نبوده و مترجم با استناد به یک کتاب تفسیری مشخص و مورد قبول به کار ترجمه اقدام می‌کند. اما نکته اشتراک این روش با ترجمه آزاد نیز این است که هر دو نگاه جمله‌محوری داشته و تنها به بسط معنایی جملات و دقت در میزان رسایی آنها توجه دارند. برای نمونه، در مورد ترجمه تفسیری صفوی از آیه آخر سوره مبارکه فاتحه لازم به ذکر است که دو جمله «همانان که نه به بیراهه رفته» و «که راه درست نشناخته‌اند» در واقع افزوده‌های تفسیری صفوی است که در داخل ترجمه و بدون علایم جداساز گنجانده شده و مترجم این دو جمله را از تفسیر المیزان الهام گرفته‌است.

اصول مورد نظر در ترجمه تفسیری را می‌توان به طور کلی در مؤلفه‌های زیر خلاصه نمود:

الف) اگرچه ترجمه تفسیری، محتوایی است، ولی این موجب نشده که در برگردان واژه‌ها

و جمله‌ها، مسامحه‌ای روا شمرده شود.

ب) نه تنها در برابر هر واژه‌ای معادلی نهاده شده، بلکه سعی بسیار شده که حتی در برابر حرکات و اعراب کلمات که گویای معنایی خاص بوده، نیز معادلی آورده و به‌گونه‌ای مفاد آن منعکس شود.

ج) همسانی ترجمه واژه‌ها و جمله‌های همسان یک اصل است و اسما و صفات الهی در پایان آیات قرآنی با توجه به مضمون هر آیه معنا شده‌است و ممکن است در بیان متعلق آن‌ها تفاوت‌هایی دیده شود.

د) گویایی و رسایی در این ترجمه از اصول مهم بوده‌است.

ه) از مهم‌ترین ابزارهای مترجم در ترجمه تفسیری قرآن کریم، دریافت معانی واژه‌ها اعم از اسما، افعال و حروف و دانش ادبیات زبان عرب اعم از صرف، نحو، معانی و بیان است. و) در موارد اعراب کلمات نیز نخستین مرجع مترجم، موارد مشابه در المیزان بوده و سپس «مجمع البیان».

ح) بخشی از این اثر، به توضیحاتی درباره آیات اختصاص داده شده‌است.

ط) اساس گزینش در این بخش، اولاً نیاز آن آیه به توضیح بیشتر و ثانیاً نیاز عموم به آن بحث بوده‌است (صفوی، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

۳-۳. جمله و لایه ژرف‌ساخت

نظر به اینکه تقسیم‌بندی فوق بر اساس واحدهای زبانی ترجمه بوده‌است، چنین به نظر می‌رسد که بهتر باشد به وجود یک رویکرد دیگر در ظهور روش‌های ترجمه‌ای از قبیل روش ترجمه معنایی اشاره کرد. در این رویکرد، یک اصل مهم وجود دارد که عبارت است از جمله در کنار اصل معنا یا اصالت معنایی (ژرف‌ساخت) در فرآیند ترجمه. برای تبیین بیشتر مسأله به تعریف ترجمه معنایی پرداخته می‌شود:

۳-۳-۱. ترجمه معنایی (مفهومی، گویا، محتوا به محتوا) (Semantic translation)

در این روش: الف) اهمیت معنی از لفظ و ترکیب بیشتر است. ب) این روش، برای ترجمه کنایه و استعاره کاربردی‌تر است. ج) این نوع ترجمه نیز به عنوان واکنشی در مقابل ترجمه تحت‌اللفظی مطرح شده‌است؛ زیرا در ترجمه تحت‌اللفظی با وجود آسان و روان بودن الفاظ در متن مقصد، معنی همچنان گنگ و کمی مبهم است که ترجمه معنایی، این ابهام را برطرف می‌کند. این ترجمه اغلب خوش‌خوان‌تر از ترجمه‌های پیشین بوده‌است. به برخی از ویژگی‌های این روش اشاره می‌شود:

الف) هدف، انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ به زبان معیار متن مقصد است.
 ب) مترجم در این نوع ترجمه، به ساختارهای ادبی و بلاغی متن مبدأ بسان ترجمه وفادار، وفادار نیست.

ج) تعادل معنایی ترجمه بیش از جنبه‌های ادبی است.

د) واحد ترجمه اغلب جمله‌است، ولی مترجم خود را برای حرکت در واحدهای پایین‌تر نیز آزاد می‌بیند و به اقتضا از آنها استفاده می‌کند.

ه) انسجام ترجمه بیش از انسجام در دیگر روش‌های ترجمه‌است.

و) زبان ترجمه، معیار است (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

ز) مترجم در این شیوه ترجمه می‌کوشد، پیام و هدف اصلی متن را برای مخاطب بیان کند (نجارپوریان، ۱۳۸۸: ۱۴).

ح) در ترجمه معنایی، عناصر فرهنگی متن مبدأ حفظ و به زبان مقصد منتقل می‌شود (امانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). بیشتر ترجمه‌های متأخر را می‌توان نمونه‌هایی از این نوع ترجمه به شمار آورد؛ مانند ترجمه خرمشاهی (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۳) که علاوه بر انتخاب واحد زبانی جمله در ترجمه خود، معنی جمله را نیز مد نظر قرار داده‌است:

ترجمه خرمشاهی

درباره ترجمه قرآن کریم از بهاء‌الدین خرمشاهی نیز می‌توان گفت که آن یکی از روان‌ترین ترجمه‌های فارسی قرآن محسوب می‌شود. اما «یکی از ایرادات ترجمه خرمشاهی، آن است که مترجم در مواردی بخش‌هایی از دیگر نوشته‌های خود را برای یادآوری تکرار می‌کند، ولی چون لازم می‌بیند اضافاتی برای تبیین بیفزاید، ترجیح می‌دهد مکرر از پرانتز و قالب استفاده کند که به روانی نوشتار لطمه می‌زند» (رویانیان، ۱۳۹۸: ۱۴۵-۱۴۶):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند بخشنده مهربان
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	خدای رحمان مهربان
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	دادار روز جزا
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ	[خداوندا] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	ما را بر راه راست استوار بدار
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ	راه کسانی که آنان را نواخته‌ای، آنان نه که از نظر انداخته‌ای، و نه گمراهان

درباره بُعد معنایی لازم به ذکر است که ترجمه خرمشاهی از فعل «اهد» به صورت «استوار بدار» بوده که این ترجمه بازتاب معنای اولیه و وضعی فعل «اهد» نمی‌باشد، بلکه معنایی ذکر شده در واقع برداشتی از معنای ضمنی و ثانویه فعل مذکور است. می‌توان گفت اشکال عمده چنین ترجمه‌ای چه بسا این باشد مترجم به خاطر عدم توجه به ریشه کلمه (اهد) که (هدایت) است، فعل مذکور را به صورت (ثابت بدار) ترجمه کرده‌است؛ این در حالی می‌باشد که بهتر است مترجم، این ظرایف معنایی را به دلیل مقدس بودن واژه‌های قرآن و معنای ژرف و عمیق آنها در ترجمه در نظر بگیرد.

این مسأله در ترجمه خرمشاهی از فعل «أَنْعَمْتُ» نیز قابل مشاهده‌است؛ یعنی مترجم از معنای اولیه و وضعی فعل که همان «نعمت دادن و عطا کردن چیزی» است، عدول کرده و معنایی فراتر از معنای اولیه و وضعی آن یعنی «نواخته‌ای» را ذکر کرده که نماینده معنایی ثانویه فعل مذکور است؛ بنابراین مترجم با عنایت به اینکه ضمن انتقال معنای واژگان به سبک و نحوه آرایش کلمات دقت کرده، سیمای منحصر به فرد و زیبایی از قرآن را منعکس کرده‌است.

نکته شایانی که ترجمه معنایی خرمشاهی را از سایر ترجمه‌ها متمایز می‌کند، توجه مترجم به کنار هم قرار گرفتن واژه‌های قرآن یعنی سبک منحصر به فرد آن است؛ به طوری که کوشیده تا به معنای آن آسیب نرسد. بنابراین مشخص می‌شود که واحدهای زبانی در ترجمه نیز نقش بسزایی را ایفا می‌کنند که از آن جمله می‌توان به تعیین روش ترجمه در فرآیند ترجمه یک متن اشاره کرد.

۴. علل انتخاب واحد زبانی کلمه و جمله در ترجمه قرآن کریم

در یک نگاه کلی به عوامل و اسباب انتخاب هر یک از واحدهای زبانی کلمه و جمله به عنوان واحد ترجمه سوره مبارکه فاتحه از سوی مترجمان، دو عامل مهم تحت عنوان نویسنده محوری و مخاطب محوری قابل طرح است:

۴-۱. نویسنده محوری

در تفسیر متون سه رویکرد وجود دارد: مؤلف محوری، متن محوری و مفسر محوری. روش رایج تفسیر متون دارای رویکردی مؤلف محور است و وظیفه مفسر را دستیابی به مراد مؤلف می‌داند (باقری، ۱۳۸۷: ۸۹). نظر به این که در مراحل آغازین ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر، رویکرد مؤلف محوری یا همان نویسنده محوری حاکم بود و مترجمان با رعایت جانب احتیاط سعی حداکثری خود را معطوف این امر می‌کردند که در ترجمه، تنها مراد خداوند متعال را که مؤلف قرآن است، در دسترس مخاطبان ترجمه قرار دهند. این امر باعث می‌شد تا نگاه کلمه محوری به قرآن داشته باشند. لذا می‌توان گفت ریشه اصلی

انتخاب واحد زبانی کلمه به عنوان واحد اصلی ترجمه در این نهفته است که منظور و هدف مترجم لفظ به لفظ و تحت‌اللفظی قرآن در واقع کشف مراد الله یا همان نویسنده محوری بود. یکی دیگر از شواهد مؤلف محوری مفسران و مترجمان، اتفاق ایشان بر از سوی خدا بودن معانی قرآن است. بدین ترتیب معانی آیات قرآن، ساخته مفسر نیست و صرفاً با تکیه بر عناصر درونی متن نیز نمی‌توان به آن دست یافت، بلکه متن، فقط واسطه‌ای است که نیت مؤلف را باز می‌گوید (همان: ۹۰). همه این عوامل سوق می‌داد تا مترجم قرآن بر مبنای نویسنده محوری عمل کند. مترجمانی که روش ترجمه لفظ به لفظ یا روش ترجمه تحت‌اللفظی را انتخاب می‌کردند، خواسته یا ناخواسته نگاه نویسنده محوری را در اولویت کار خویش قرار می‌دادند و ناگزیر به دو روش ترجمه مذکور متمایل می‌شدند؛ چراکه در این دو روش، میزان پای‌بندی به متن مبدأ و مراد نویسنده بیش از دیگر روش‌های ترجمه است.

مؤلف محوران هرگاه با نگاه درون‌متنی یا برون‌متنی شاهدی بر مراد خدا بیابند، از معنای لغوی می‌گذرند و آنچه را به عنوان مراد شناخته‌اند، در ترجمه می‌آورند. لورنس هامفری به عنوان یک نویسنده محور می‌گوید: «مترجم باید بتواند موضوع، سبک و ویژگی‌های متن را درک نماید» (بهرامی، ۱۳۸۴: ۵۸).

در نتیجه، محتوای یک متن حاصل‌گزینش و چینش واژه‌ها و عبارات آن از سوی مؤلف است، طبیعتاً این محتوا باید بر اساس معنای واژه‌ها در فضایی که مؤلف در آن سخن گفته و قواعدی که مؤلف در القای مقاصد خود بر آن تکیه کرده، فهم شود؛ بنابراین فرآیند درک این فهم یا توجه به آن در ترجمه در واقع داشتن رویکرد نویسنده محوری به متن است؛ چراکه هدف غایی صاحب اثر در فهم اثر خود مؤثر است. هدف غایی قرآن علاوه بر آشنا ساختن مخاطبان با حقایقی از عوالم هستی، تزکیه و برانگیختن آنها به سوی پاکی و پاک‌سیرتی است. قرآن برای انگیزش مخاطبان خود به سوی اهداف مورد نظر و مطابق با واقعیت‌ها از واژه‌های دقیق استفاده کرده است؛ لذا توجه به مراد نویسنده در ترجمه قرآن از سوی برخی مترجمان اهمیت داشتن رویکرد نویسنده محوری را تبیین می‌کند.

۴-۴. مخاطب محوری

مخاطب محوری نقطه مقابل نویسنده محوری است و به عنوان واکنشی در برابر آن مطرح شد. نقطه اتصال موضوع مخاطب محوری و واحدهای زبانی منتخب در ترجمه در این خلاصه می‌شود که مترجم با گذار از مرحله محوریت کلمه در ترجمه به مرحله محوریت جمله می‌رسد؛ به این علت که مترجم، مخاطب ترجمه را جایگزین نویسنده متن اصلی می‌کند و به تبع آن لازم است از روش ترجمه‌ای استفاده نماید که در راستای فهم بیشتر مخاطب باشد؛ بنابراین وجود رویکرد مخاطب محوری در نگرش مترجم یکی از عواملی

است که وی را ملزم می‌کند تا از بند کلمات رسته و به محدوده جمله وارد شود. ورود به محدوده جمله و پای‌بندی به آن در انتخاب نوع روش ترجمه از سوی مترجم تأثیر دارد و وی را سوق می‌دهد تا روش‌های دیگر ترجمه به جز روش لفظ به لفظ را انتخاب کند و نتیجه به ارائه ترجمه‌ای بینجامد که مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند.

قابل ذکر است «اخبار قرآنی به شدت بر روی مخاطب محوری تأکید می‌کند. ارسال پیامبرانی که به زبان قوم خود سخن می‌گویند، یکی از دلایل مهم توجه به مخاطب محوری در فهم قرآن است» (فاطمی یگانه، ۱۳۹۸). بحث مخاطب محوری را بیشتر در قالب یکی از انواع ترجمه‌ها به نام ترجمه ارتباطی می‌توان مطرح کرد.

۵. ارزیابی نقاط قوت و ضعف رویکردهای موجود در ترجمه قرآن کریم

۵-۱. رویکرد کلمه محوری

اگر رویکرد و دیدگاه مترجم در فرآیند ترجمه قرآن کریم کلمه محوری باشد، ناگزیر روش ترجمه لفظ به لفظ مطرح خواهد شد. از آنجا که مترجم در رویکرد کلمه محوری فقط به متن مبدأ پای‌بند است و هیچ توجهی به ارتباط و انسجام کلمات با یکدیگر در قالب یک جمله ندارد، لذا این رویکرد که از جمله ابتدایی‌ترین رویکردها به ترجمه قرآن کریم است، منقضی شده و دیگر در زمره رویکردهای رایج ترجمه قرار نمی‌گیرد.

رویکرد کلمه محوری در ترجمه قرآن کریم در رویکرد شعرانی قابل مشاهده بود. بارزترین ویژگی روش کار مترجم مذکور به این صورت می‌باشد که معادل هر کلمه، بدون توجه به ماقبل و مابعد آن در متن مقصد ذکر می‌شد و این امر پدیده گسستگی بین کلمات را در پی داشت.

۵-۱-۱. گسستگی بین کلمات

کلماتی که در یک جمله به کار برده می‌شوند، دارای ارتباط و پیوستگی معنایی با یکدیگر هستند؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، تعدادی از کلمات به وسیله هم‌نشینی با یکدیگر در قالب یک جمله، هویت معنایی پیدا می‌کنند، یعنی معانی مجازی یا ثانویه به خود می‌گیرند. از این پدیده می‌توان با عنوان پیوستگی میان کلمات یاد کرد؛ اما گاهی این پیوستگی تبدیل به گسستگی میان کلمات می‌شود. این مسأله غالباً در فرآیند ترجمه اتفاق می‌افتد. هنگامی که مترجم از واحد زبانی کلمه برای ترجمه استفاده می‌کند و روش ترجمه‌اش لفظ به لفظ است، بین کلمات پدیده گسستگی رخ می‌دهد؛ زیرا مترجم در این امر تنها به متن مبدأ و وفادار بودن نسبت به آن توجه دارد و لذا در خصوص ارتباط میان کلمات متن مقصد با کلمات قبلی و بعدی اهتمام لازم را مبذول نمی‌دارد؛ در نتیجه مسأله گسستگی بین کلمات در سطح معنایی به وجود می‌آید که این مسأله از جمله امتیازات منفی ترجمه به شمار می‌رود.

۲-۵. رویکرد جمله‌محوری

قرآن حکیم بسته به اهداف مورد نظر خود، واژه را در مصداقی خاص به کار گرفته‌است (اشرفی، ۱۳۸۸: ۸۰)، لذا در ترجمه نیز باید توجه داشت که هر کلمه در سیاق و ساختار مناسب خود ترجمه شود که این امر خارج از محدوده رویکرد کلمه‌محوری بوده و ضمن رویکرد جمله‌محوری قرار می‌گیرد. این رویکرد بر خلاف رویکرد کلمه‌محوری دارای دلالت کلی‌تر بوده و نیز به عنوان واکنشی در برابر آن مطرح شد، به این صورت که دیدگاه جمله‌محوری یک دیدگاه وسیع‌تر و جامع‌تر نسبت به رویکرد کلمه‌محوری است. توجه مترجم قرآن در رویکرد جمله‌محوری به صرف کلمات استفاده شده در داخل آیات معطوف نیست، بلکه از نگاه وی، جمله و معنای آن از اهمیت بیشتری نسبت به معنای صرف کلمات برخوردار است.

مترجم در رویکرد جمله‌محوری در فرآیند ترجمه قرآن کریم، علاوه بر اینکه کلمه و معنای آن را مهم می‌داند، به ارتباط میان کلمات قرآنی نیز توجه دارد. اقدام به ترجمه در این رویکرد با محوریت جمله‌است و کل جمله در ترجمه در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد در ترجمه‌های بسیاری از مترجمان قرآن کریم قابل مشاهده‌است و شاخصه بارز آن وجود ارتباط میان کلمات قرآنی با یکدیگر می‌باشد.

۵-۲-۱. ارتباط کلمات با یکدیگر

جملات قرآن کریم از واحدهای کوچک‌تری به نام کلمات یا واژه‌ها شکل یافته‌اند (اشرفی، ۱۳۸۸: ۶۸). هر کدام از کلماتی که در آیات قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته، علاوه بر اینکه می‌تواند استقلال معنایی داشته باشد، این قابلیت را نیز دارد که در ارتباط با دیگر کلمات در داخل آیه معنا شود؛ بنابراین در رویکرد جمله‌محوری مترجم به آیات قرآن کریم لازم است تا اصل پیوستگی میان کلمات در داخل یک آیه مورد توجه قرار گیرد، این پیوستگی گاهی با استفاده از ابزارهایی مانند عنصر زبانی هم‌نشینی کلمات به صورت بارزتر در متن آیات قابل مشاهده‌است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت اشکال روش‌های ترجمه پیشین، تکیه بر محوریت نویسنده یا خواننده می‌باشد و روش‌های ترجمه مانند ترجمه لفظ به لفظ، ترجمه آزاد (اقتباسی)، ترجمه تفسیری و ترجمه معنایی بر اساس محوریت صرف نگرش نویسنده و اندیشه وی یا صرف خوانش دریافت‌کننده پایه‌ریزی شده و واحد اصلی هر یک از آنها ابتدا واژه بوده و سپس به واحد جمله ارتقا یافته‌است. این در حالی است که ترجمه بایستی مرزهای نویسنده و خواننده و نیز مرزهای واژه و صرف جمله را درنوردد و به واحد توان ارتباطی جملات بپردازد. لذا چنانچه واحد جمله با در نظر گرفتن ارتباطی آن با سایر جمله‌ها و مخاطبان به عنوان واحد اصلی در فرآیند ترجمه به جای واحد کلمه یا صرف

جمله انتخاب شود، متن ترجمه دارای دلالت و انسجام بیشتری نسبت به دو واحد زبانی واژه و جمله در بازسازی معانی متن مبدأ خواهد بود و چه بسا ترجمه ارتباطی با محوریت واحد زبانی جمله و قابلیت ارتباطی آن بهتر بتواند متون را به زبان مقصد انتقال دهد که تحقق این فرآیند نیز می‌تواند از طریق بررسی جمله‌ها و روابط آنها در دو متن مبدأ و مقصد امکان‌پذیر باشد. اما باید توجه داشت یک متن متشکل از لفظ و معنی که دارای جایگاه بالاتری نسبت به جایگاه نویسنده و خواننده است، این ظرفیت را دارد که دارای دلالت‌های مختلف باشد؛ این در حالی است که گاهی مسأله در روش ترجمه ارتباطی نیز چنین نیست و رویکرد مخاطب‌محوری این روش چه بسا اشکال آن تلقی شود، به طوری که این روش ترجمه به بخشی توجه و بخش دیگر را نادیده می‌گیرد و اصلتی برای خود متن مبدأ و الفاظ آن قائل نیست و صرفاً به دریافت خواننده از مضامین متن و ارتباط‌گیری وی با آن می‌پردازد، تا جایی که حتی اگر دریافت خواننده از مضامین متن اصلی چیز دیگری باشد، باز اصالت با همان دریافت است.

۶. نتیجه‌گیری

نتایج ذیل از نوشتار حاضر به دست آمد:

۱- مترجمان قرآن کریم در بستر زمان، سوره مبارکه فاتحه را بر اساس محوریت واحدهای زبانی مختلف، به ویژه کلمه و جمله ترجمه کرده‌اند؛ همچنین محوریت واحد جمله با قابلیت ارتباطی آن با سایر جملات را نیز می‌توان متصور شد که تاکنون این سوره مبارکه بر مبنای این واحد زبانی مورد ترجمه قرار نگرفته است.

۲- مترجمان در ترجمه سوره مبارکه فاتحه با تکیه بر واحد زبانی کلمه، در واقع نویسنده و مراد وی را محور اصلی ترجمه قرار داده‌اند که از این مسأله در مطالعات ترجمه با عنوان نویسنده‌محوری یاد می‌شود. این مترجمان، هدف از این کار خود را چنین بیان می‌کردند که مراد حق تعالی را که همان نویسنده‌محوری است، کشف کرده و آن را در اختیار مخاطبان ترجمه قرار دهند، به این استناد که مبدا نکته‌ای از متن مبدأ در فرآیند انتقال به متن مقصد از این کتاب مغفول بماند؛ همچنین مترجمان بعدها در ترجمه قرآن، واحد زبانی خود را بعد از کلمه به جمله اختصاص و ارتقا دادند و در پی آن از روش ترجمه لفظ به لفظ و تحت‌اللفظی چشم‌پوشی کردند و مخاطب‌محوری را اساس کار خود قرار دادند و خواستند ترجمه خود را به گونه‌ای ارائه دهند تا به فهم و درک هر چه بیشتر مخاطب کمک کند؛ لذا روش‌های مختلف ترجمه‌ای دیگری تحت عناوین ترجمه آزاد (اقتباسی)، ترجمه تفسیری و ترجمه معنایی را مطرح ساختند.

۳- تحولات مربوط به روش‌های ترجمه سوره فاتحه در زمینه واحدهای زبانی بوده، به این معنی که از نویسنده یا مخاطب‌محوری به واحدهای زبانی تکیه داشته و از کلمه به

جمله تحول یافته‌است؛ بنابراین تفاوت غالب ترجمه‌های سوره فاتحه در سطح معانی اولیه کلمات، آیات و کل سوره می‌باشد که این مسأله از نگاه نویسندگانه محوری یا مخاطب‌محوری به قرآن ناشی شده‌است.

۴- مترجمان این سوره مبارکه در رویکرد کلمه‌محوری به الفاظ آن پای‌بند بودند و به ارتباط و انسجام کلمات توجهی نمی‌کردند؛ اما مترجمانی که واحد زبانی جمله را در فرآیند ترجمه در نظر می‌گرفتند، رویکرد جمله‌محوری را بهتر می‌دانستند و به ارتباط بین کلمات در داخل یک آیه توجه می‌کردند و کلمات را در هم‌نشینی با یکدیگر در داخل یک آیه ترجمه می‌نمودند و انسجام و ارتباط بین کلمات آیات را اساس کار خود قرار می‌دادند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اختیار، منصور، (۱۳۴۸ش)، معنی‌شناسی، چاپ دانشگاه تهران.
- اشرفی، امیر، (۱۳۸۸ش)، نگاهی به مبانی فهم مفردات قرآن و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبایی، قرآن شناخت، شماره اول، صص ۶۵-۹۰.
- اقبالی و نامداری، مسعود و ابراهیم، (۱۳۹۷ش)، نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۳، صص ۱۳۷-۱۵۴.
- امامی، کریم، (۱۳۷۶ش)، ترجمه آزاد و ترجمه دقیق، مترجم، شماره ۲۵، صص ۹۰-۹۴.
- امامی، زهرا، زهرا رضائی، زهرا خوشناموند، (۱۳۹۶ش)، روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضربالمثل‌های اخلاقی قرآن، همراه با ترجمه‌های پیشنهادی بررسی موردی ترجمه‌های دهلوی، فولادوند و فیض الاسلام، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- اوسط باقری، علی، (۱۳۸۷)، نظریه‌های تفسیر متون و مؤلف‌محوری مفسران مسلمان، قرآن شناخت، شماره دوم، صص ۵۹-۱۰۰.
- باقری، مه‌ری، (۱۳۶۷ش)، مقدمات زبان‌شناسی، تبریز.
- بهرامی، محمد، (۱۳۸۴ش)، روش‌شناسی ترجمه قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۴، صص ۵۸-۶۹.
- جواهری، حسن، (۱۳۸۴ش)، پژوهشی در انواع ترجمه قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲-۴۳، صص ۱۳۶-۱۵۹.
- خاقانی اصفهانی، محمد، (۱۳۹۵ش)، بررسی و نقد کتاب البلاغه و تحلیل الخطاب، پژوهشنامه نقد ادب عربی.
- رویان‌یان، شهاب، (۱۳۹۸ش)، نقد ترجمه و توضیح قرآن به قلم بهاء الدین خرمشاهی، آینه پژوهش، شماره ۴، صص ۱۰۶-۱۵۰.
- صفوی، سید محمدرضا، (۱۳۸۵ش)، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، پایگاه مجلات تخصصی نور، نشریه: علوم قرآن و حدیث «بینات»، بهار و تابستان، شماره ۴۹ و ۵۰ (۹ صفحه، از ۴۱۳ تا ۴۳۱).
- صفوی، محمدرضا، (۱۳۸۴ش)، ترجمه و تفسیر قرآن بر اساس المیزان، بینات، شماره ۴۹-۵۰، صص ۴۱۳-۴۲۱.
- فاست، پیتز، (۱۳۹۷ش)، ترجمه و زبان‌تیبینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی، ترجمه راحله گندمکار، تهران.
- فاطمی یگانه، علی محمد، (۱۳۹۸ش)، سواد رسانه‌ای از منظر قرآن کریم و روایات، پشتیبان.
- ناصری، مهدی و مصطفی شیروی خوزانی و محمود رضا توکلی محمدی، (۱۳۹۳ش)، ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۳۷-۱۶۷.
- نجارپوریان، علی، (۱۳۸۸ش)، بررسی روش‌های ترجمه فارسی قرآن در دوران معاصر، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۶، صص ۱۱-۲۶.
- یحیی، معروف، (۱۳۹۴ش)، فن ترجمه، تهران.

References

The Holy Quran

- Ekhtiar, Mansour, (1348), Semantiek, Teheran University Press [In Persian].
- Ashrafi, Amir, (1388), een blik op de basisprincipes van het begrijpen van de woorden van de koran en de rol ervan bij interpretatie vanuit het standpunt van Allameh Tabatabai, Qur'an Knowledge, nr. 1, pp. 65-90 [In Persian].
- Iqbali and Namdari, Masoud and Ebrahim, (1397), criticism and analysis of Elahi Qomshaei and Makarem Shirazi's translation of Surah Mubarake Yusuf with an emphasis on Garces' theory of morpho-syntactic level, Qur'an Linguistic Researches, No. 13, pp. 137-154 [In Persian].
- Emami, Karim, (1376), free translation and accurate translation, translator, number 25, pp. 90-94 [In Persian].
- Amani, Zahra, Zahra Rezaei, Zahra Khushnamond, (1396), methodology and evaluation of the translations of the Holy Quran in translating the moral proverbs of the Quran, along with suggested translations, a case study of the translations of Dehlavi, Fouladvand and Faizul Islam, Quranic Studies and Islamic Culture, No. 4, pp. 1-23 [In Persian].
- Avzat Bagheri, Ali, (1387), Theories of Text Interpretation and Author-centered Muslim Commentators, Qur'an Knowledge, No. 2, pp. 100-59. [In Persian].
- Bagheri, Mehri, (1367), Introduction to Linguistics, Tabriz [In Persian].
- Bahrami, Mohammad, (1384), Methodology of Quran Translation, Quranic Researches, No. 44, pp. 58-69. [In Persian].
- Javaheri, Hassan, (1384), a research on the types of translation of the Qur'an, Qur'anic Researches, No. 42-43, pp. 136-159. [In Persian].
- Khaghani Esfahani, Mohammad, (1395) review and criticism of the book Al-Balaghah and Analysis of Al-Khattab, Research Journal of Criticism of Arabic Literature [In Arabic].
- Royanian, Shahab, (1398), Criticism of Quran translation and explanation by Bahaudin Khorramshahi, Aineh Research, No. 4, pp. 106-150. [In Persian].
- Safavi, Seyyed Mohammad Reza, (1385), translation of the Quran based on Al-Mizan, Noor specialized magazines database, publication: Sciences of the Quran and Hadith "Bainat", spring and summer, numbers 49 and 50 (9 pages, from 413 to 431). [In Persian].
- Safavi, Mohammad Reza, (1384), translation and interpretation of the Qur'an based on Al-Mizan, Binat, No. 49-50, pp. 413-421. [In Persian].
- Faust, Peter, (1397), translation and explanatory language based on linguistic theories, translated by Rahela Gandhamkar, Tehran. [In Persian].
- Fatemi Yeganeh, Ali Mohammad, (۱۳۹۸), media literacy from the perspective of the Holy Quran and hadiths, support
- Naseri, Mahdi and Mostafa Shiravi Khozani and Mahmoud Reza Tawakuli Mohammadi, (1393), literal translations of the Holy Quran in Persian language; Advantages and disadvantages, Quran and Hadith Translation Studies, No. 2, pp. 137-167. [In Persian].
- Najarpourian, Ali, (1388), surveying the methods of Persian translation of the Qur'an in the contemporary era, Roshd of Qur'an Education, No. 26, pp. 11-26 [In Persian].
- Yahya, Marouf, (1394), Fantargemeh, Tehran. [In Persian].